

ژان راسين

بريتانيكوس، برنيس

ترجمه حسام غره چي



انتشارات نيلوفر

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : بریتانیکوس، برنیس / ژان راسین؛ ترجمه حسام نقره‌چی.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.
شابک : 978-622-6654-25-8

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
پادداشت :
عنوان اصلی : Théâtre complet. I La Thebou les frères ennemis, 1962.
موضوع : نمایشنامه فرانسه - قرن ۱۷ م.
موضوع : French drama - 17th century:
شناسه افزوده : نقره‌چی، حسام، ۱۳۶۱ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره : PQ:
رده‌بندی دیوئی : ۸۴۲/۴۵:
شماره کاتالوگ ملی : ۵۹۳۹۴۵۰



انتشارات نیلوفر
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن : ۶۶۴۶۱۱۱۷

ژان راسین

بریتانیکوس، برنیس

ترجمه حسام نقره‌چی

حروفچینی: شبستری

چاپ گلبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۷۷۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۳	بریتانیکوس
۱۵	به عیالجناب دهک دوشووروز
۱۷	پیشگفتار اول
۲۵	پیشگفتار دوم
۱۰۳	برنيس
۱۰۵	به عالیجناب کولبر
۱۰۷	پیشگفتار مؤلف
۱۷۷	توضیحات
۱۸۳	درباره بریتانیکوس و برنيس

مقدمه مترجم

بریتانیکوس و برنیس پنجمین و ششمین نمایشنامه‌های ژان راسین هستند. راسین بعد از موفقیت آندروماک یک بار در ژانر کمدی طبع آزمایی کرد و دوباره به دامن تراژدی برگشت. بریتانیکوس حاصل این بازگشت است. این نمایشنامه روز ۱۳ دسامبر سال ۱۶۶۹ برای اولین بار به روی صحنه رفت. اجرا چندان موفقیت آمیز نبود. سال‌ها از روز اول هم پر نشد و چند نویسنده مشهور، از جمله پیر کورنی^۱ که در این سال ساکن فرانسه بودند، ناخرسندیشان را پنهان نکردند. البته بریتانیکوس چندی بعد مقابل وین چهاردهم اجرا شد، تشویق شاه را برانگیخت و به این شکل، به چرخه نیات ادب برگشت. آلن ویالا^۲ معتقد است که شکست اولیه اثر دلایل متعددی داشت که یکی از آن‌ها اعدام مارکی دو کوربویه در همان روز به جرم خیانت در ملأ عام بود. اعدام اشراف زاده‌ای در این سطح واقعه‌ای نبود که هر روز دست دهد و اکثر نمایشگران بالقوه تئاتر این نمایش را به نمایش راسین ترجیح داده بودند.

رقابت بین راسین و کورنی داشت کم‌کم تبدیل به یکی از مباحثات مورد علاقه اهل ادب در آن دوران می‌شد. کورنی ۳۳ سال از راسین بزرگ‌تر بود و زمانی که راسین وارد صحنه تئاتر شد، مشهورترین تراژدی‌نویس فرانسه بود. راسین با انتخاب موضوعی برگرفته از تاریخ رم و با ورود به عرصه تراژدی سیاسی، عملاً کورنی را به رقابت می‌طلبید. حملات تندی که در پیشگفتار اول

نمایشنامه‌اش به کورنی کرده است، نشان می‌دهد که نزاع بین دو نویسنده بسیار جدی است. نزاعی که بعداً، چنان‌که خواهیم دید، در برنيس به اوج می‌رسد.

مسئله صرفاً رقابت بین دو نسل نیست، موضوع فقط این نیست که نویسنده جوانی می‌خواهد جای پیش‌کسوتی را بگیرد، بلکه تقابل دو نگاه به تراژدی است. کورنی که نمایشنامهٔ باروک را به اوج رسانده، آثار قدرتمندی خلق کرده است که در آن‌ها تعدد وقایع، پرداخت ظریف صحنه‌ها و شعری پر از صنایع ادبی مخاطب را از ابتدا تا انتهای نمایش درگیر می‌کند. راسین در عوض پرچمدار کلاسیسم و به دنبال نهایت سادگی در پرداخت اثر است. نمایشنامه‌هایش ساختی بسیار محکم دارند و زبانش نمونهٔ اعلائی سهل‌ممتنع در ادبیات فرانسه است. می‌گیرند که راسین در مجموع نمایشنامه‌هایش از ۲۰۰۰ کلمه بیشتر استفاده نکرده است و همین سادگی زیاد ترجمهٔ آثارش را دشوار می‌کند.

جدال بین طرفدار کورنی و راسین ادامه می‌یابد و نهایتاً قرن بیستم است که تحت تأثیر ملغمه‌ای از پوزیتیویسم و ملی‌گرایی، به دنبال نمونهٔ والای هنر فرانسوی می‌گردد و آن را درس‌سازگی و راسین می‌یابد.

زندگی پرتناقض راسین موضوع برخی‌های بسیاری قرار گرفته است. او در مکتب‌گوشه‌گیران در صومعهٔ پور رویال^۱ پرورش یافت. استادانش نه تنها زندگی پرتجمل در دربار که حتی زندگی کلیسایی راسین را رد کرده بودند و راه نجات را تنها در انزوا و زهدی انعطاف‌ناپذیر می‌جستند، تا آن‌جا که راسین می‌دانستند و از تمام تعلقات دنیوی بریده بودند ولی راسین دقیقاً در پی تفریح است، آن هم در دربار لویی چهاردهم اما از تعلق خاطرش به استادانش چیزی که بشاید چندبار سعی کرد در مقابل خشم شاه یاریشان کند.

میراث پور رویال برای راسین، ورای شکل تفکر گوشه‌گیران که لوسین گلدمن^۲ ردش را در تراژدی‌های او می‌جوید، دانش عمیقی از تاریخ و فلسفهٔ دوران باستان و زبان‌های یونانی، لاتین، ایتالیایی و انگلیسی بود. راسین حتی پاره‌ای از نوشته‌های افلاطون را به فرانسه ترجمه کرده است.

نمی‌توان به یقین گفت چه عواملی نهایتاً او را از تئاتر دور کردند. هرچه هست دو نمایشنامه آخرش کاملاً بار مذهبی دارند و پس از آن، راسین تنها به عنوان مورخ شاه، روزگار می‌گذراند و دیگر به عالم نمایش بازمی‌گردد.

از نمایشنامه‌های راسین تصحیحات متعددی وجود دارد. پل منار^۱ در سال ۱۸۶۵ چاپ منقحی از مجموعه آثار راسین ارائه کرد که تا سال‌ها مرجع بی‌بدیل مطالعات درباره آثار این شاعر بزرگ قرن هفدهم باقی ماند. در سال ۱۹۵۲ مر-رم ریسون پیکار^۲ تصحیح انتقادی‌ای از آثار راسین در مجموعه معتبر پلنید انتشارات گالیمار منتشر کرد. انتشارات گالیمار بار دیگر در سال ۱۹۸۲ و در مجموعه زریو کلاسیک چاپ جدیدی از نمایشنامه‌های راسین، این بار به تصحیح ژان پیر که لینه^۳ ارائه داد. انتشارات آشت در سال ۱۹۹۸ تصحیح ژان روئو^۴ را منتشر کرد. دو دوباره در سال ۱۹۹۹ مجموعه پلنید چاپ جدیدی، این بار به تصحیح ژرژ فورستیه^۵ منتشر کرد. چاپ فورستیه از آن زمان مرجع غیرقابل انکار مطالعات در مورد آثار راسین است. در سال ۲۰۱۰ انتشارات کلاسیک گرنیه، تصحیح انتقادی جدیدی از مجموعه نمایشنامه‌های راسین منتشر کرد. این تصحیح حاصل تلاش الن ویالا و سیلون گویو^۶ است. الن ویالا، پیش از آن، در سال ۱۹۸۰ با همکاری ژک مورل^۷ مجموعه نمایشنامه‌های راسین را در همان انتشارات کلاسیک گرنیه به چاپ رسانده بود و بعد از برگ مورل تصمیم گرفت به همراهی شاگرد قدیمی‌اش، سیلون گویو که اکنون استاد ادبیات فرانسه در دانشگاه هاروارد است، تصحیح جدیدی از آثار راسین ارائه دهد. من این چاپ را به عنوان مرجع ترجمه برگزیدم. دلایل متعددی باعث شد که من تصحیح الن ویالا و سیلون گویو را به چاپ ژرژ فورستیه ترجیح دهم. آثار راسین در زمان حیات خود مؤلف، سه بار تجدید چاپ شده است و هر بار راسین تجدیدنظرهایی

1. Paul Mesnard

2. Raymond Picard

3. Jean-Pierre Collinet

4. Jean Rohou

5. Georges Forestier

6. Sylvaine Guyot

7. Jacques Morel

در نمایشنامه‌هایش کرده است. غالباً مصححان چاپ سال ۱۶۹۷ را که آخرین چاپ آثار در زمان حیات راسین است، به عنوان مرجع برمی‌گزینند. ژرژ فورستیه این سنت را نمی‌پذیرد. استدلال او البته به نظر من بسیار درخور توجه است؛ فورستیه معتقد است که لزوماً آخرین تصحیح اثر در زمان حیات نویسنده کامل‌ترین و منقح‌ترین نسخه نیست. در مورد راسین مسأله این است که در سال‌های آخر او از تئاتر فاصله گرفته بود و بنابراین فورستیه فکر می‌کند چاپ اول آثار که در واقع نسخه اجراشده اثر است، به حقیقت نمایشی متن نزدیک‌تر است. اما چاپ آخر به لحاظ ادبی پخته‌تر است. می‌توان این‌طور استدلال کرد که راسین که از نسخه‌ها عصبه گرفته بود، در سال‌های آخر بیشتر به زیبایی ادبی آثارش اندیشیده است.

البته اقدام فورستیه در رضای ادبی فرانسه اقدام جسورانه‌ای است اما با توجه به این که در زبان فارسی هیچ ترجمه‌ای از مجموعه آثار نمایشی راسین وجود ندارد، من فکر کردم استاندارد این نسخه مناسب‌تر است. باید تذکر داد که بخش اعظم اختلافات نسخ مربوط به سحرزندی است که در هر حال در زبان فارسی از قواعد خود پیروی می‌کند و نتیجتاً تأثیر زیادی در متن ندارد. اما در بعضی از نمایشنامه‌ها، مثلاً بریتانیکوس، اختلاف نسخه اول و آخر اثر، فاحش است و می‌توان در آن به وضوح پختگی سال‌های آخر راسین را دید.

گذشته از این، چاپ الن ویالا و سیلون گویو توضیحات روشن‌گر بسیاری به متن افزوده و به نوعی خلاصه‌ای از چند دهه تلاش دانشگاه هم برای تفسیر و خوانش راسین را در اختیار خواننده می‌گذارد. من غالب این پاورقی‌ها را به فارسی برگردانده‌ام. در چند مورد از توضیحات ژرژ فورستیه یا ژان پیر کولینه هم استفاده کرده‌ام و تنها در معدود مواردی که احساس کردم توضیح بیشتری برای خواننده فارسی زبان لازم است، خودم پاورقی‌ای به متن افزوده‌ام.

نمایشنامه‌های راسین مثل همه تراژدی‌های آن دوران به شعر دوازده‌هجایی سروده شده است و ترجمه راسین به فارسی همان قدر دشوار است که ترجمه سعدی به فرانسه. ترجمه متن به شعر منظوم فارسی به نظرم تلاش بیهوده‌ای بود،

از آن جا که شکل وزن در زبان های اروپایی و زبان فارسی بسیار متفاوت است و بازگرداندن نمایشنامه به شعر تداعی های بیهوده ای ایجاد می کرد که از متن اصلی بسیار دور است. اما سعی کردم تا حد ممکن استعارات و کنایات راسین را در ترجمه وارد کنم و ابهام و گاه ایجازی را که ذاتی زبان شعر است، بیهوده از متن نزدایم. پیدا کردن زبانی برای این ترجمه هم کار ساده ای نبود. واقعیت این است که نمی توان از یک نثر کاملاً کهن فارسی انتظار داشت مفاهیمی را منتقل کند که مطلقاً رفرنسگ ایرانی وجود نداشته و در عین حال نمی توان با مدرن کردن بیش از حد متن، باعث شد خواننده از یاد ببرد که این نمایشنامه در قرن هفدهم نوشته شده است. من سعی کردم که با استفاده از عناصر کهن زبانی بعد آرکاییک متن را حفظ کنم، اما از یک شبه مشخص نثر قدیمی پیروی نکنم.

از بریتانیکوس ترجمه دیگری به زبان فارسی موجود است. این ترجمه را مرحوم شجاع الدین سبک در سال ۱۳۳۳ انجام داده، اما تنها در جلد دهم مجموعه آثارش آن را منتشر کرده است. ترجمه شفا البته بسیار دقیق است و نثر شیوایی دارد اما من فکر می کنم، وجود ترجمه کامل مجموعه نمایشنامه های یکی از بزرگترین نمایشنامه نویسان تاریخ جهان به فارسی ضروری است. گذشته از این، ترجمه مرحوم شفا تجدید چاپ نشده و به راحتی دسترس نیست. همچنین غلط های چاپی رایج آن زمان هم خواندن متن را کم و بیش دشوار کرده است. به علاوه پیشرفت نقد و تصحیح راسین طی سال های گذشته در فرانسه، باعث می شود ضرورت ترجمه جدید احساس شود.

از برنیس - تا جایی که من می دانم - ترجمه دیگری به فارسی موجود ندارد. سبک برنیس بسیار با بریتانیکوس متفاوت است اما هر دو به دور از واحدی از تاریخ رم برمی گردند. برنیس روز ۲۱ نوامبر سال ۱۶۷۰ برای اولین بار به روی صحنه رفت. این بار بی درنگ با موفقیت روبه رو شد و «اشک های تماشاگران» خیال او را از همان ابتدا راحت کرد. به ویژه که رقابت با کورنی این بار شکل دیگری گرفته بود. روز ۲۸ نوامبر همان سال، گروه تئاتر مولیر نمایشنامه ای از پیر کورنی به نام تیت و برنیس به روی صحنه برد. موضوع واحدی به دو شیوه

کاملاً متفاوت پرداخته شده بود اما تماشاگران از اثر نویسنده جوان استقبال بیشتری کردند.^۱

کتاب زیبای لوسین گلدمن، خدای پنهان^۲، به تحلیل نگاه تراژیک در آثار پاسکال و راسین می‌پردازد. دو فصل از این کتاب را که در آن گلدمن بریتانیکوس و برنيس را تحلیل می‌کند، به عنوان نمونه درخشانی از خوانش مدرن از آثار راسین به انتهای کتاب افزوده‌ام.

در پایان لازم می‌دانم از دوستان عزیزم فاطمه مهری، محمد راغب، سیما فولادپور و نیما جمالی که زحمت بازخوانی متن را به عهده گرفتند و با انتقادات دقیقشان به سلیس تر شدن متن فارسی کمک کردند و همچنین آندره بیرو که در بسیاری موارد، شواهدی برای متن اصلی را برایم توضیح داد، تشکر کنم.

۱. رجوع کنید به توضیحات پایانی.